

بررسی راه‌های افزایش اعتقادات دینی در بین پسر مقطع ابتدایی

علی رضائی

کارشناس الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق

کد ملی: ۳۳۳۰۱۲۴۰۹۱

چکیده

جوانان، سرمایه‌های عظیم یک جامعه، آینده‌سازان نظام و افتخار آفرین مردم اند. جامعه‌شناسان معتقدند جامعه‌ای سالم است که جوانانی سالم داشته باشد.

یکی از راه‌های مهم تربیت سالم، آشنایی جوانان با آموزه‌های دینی و بایدها و نبایدهاست. بایدها و نبایدهای دین به مثابه نسخه دکتر است که انسان را از بیماری‌ها نجات می‌دهد و نتیجه آن، ایجاد جامعه‌ای قانون‌مند، متمدن و سالم است. اگر در برخی روایات از پیامبر(ص) به طیب یاد شده، درست بدین معناست، زیرا حضرت با نسخه دین، بیماری‌های روحی را درمان می‌کند و مردم را به دین‌مداری فرا می‌خواند.

کلیدواژگان: دین، اسلام، جوانان، اعتقادات، پسر

مقدمه :

از این رو بایسته است همه مردم به ویژه جوانان با دین بیش تر آشنا شوند. زندگی بدون ایمان و دین، رنج آور است. البته همه مردم به طور فطری، دین گرا هستند، ولی این امر در اثر برخی عوامل، کم رنگ و گاهی در برخی موارد فراموش می گردد. (۱) در این میان آشنایی جوانان با دین اهمیت بیش تری دارد، زیرا فتح قله های موفقیت و طی مسیر پر فراز و نشیب زندگی، با دین گرایی امکان پذیر است.

جان بی. کایزل می گوید: «بی ایمانی به خصوص از این لحاظ رنج آور است که دنیا و هر چه را که در اوست در نظر ما لغو و بیهوده و ناپایدار جلوه می دهد، در صورتی که صاحب ایمان در آفرینش و در زندگانی، منظور و مقصودی می بیند. ایمان است که ما را در طوفان روزگار، از افتادن و مغلوب شدن نگاه می دارد. کسی که مذهب ندارد، غریقی است که مدام در دریای شک و تردید و بی تکلیفی دست و پا می زند، خوب را از بد و مفید را از مضر و راست را از دروغ نمی تواند جدا کند و هر روز و هر ساعت، عقیده ای دارد و با خود و با طبیعت و با اهل دنیا پیوسته در جدال و کشمکش است.» (۲)

دکتر کارل می گوید: «امروز نیز مانند همه اعصار، در همه کشورها، مردان و زنانی وجود دارند که زیستن برای آنان هدفی ناکافی است و حیات در نظرشان پربهترین مواهب نیست. آنان تشنه جمال و وارستگی و عشق اند و می خواهند به خدا برسند.» (۳)

بیان مسئله :

با ذکر این مقدمه، اینک به برخی از راه کارهای جذب جوانان به دین اشاره می شود:

۱- شناخت جوان

مشکل رهبری نسل جوان، نفهمیدن زبان، منطق، احساسات ویژه و خواسته های واقعی آنان است. دوره جوانی اقتضانات خاص خود را دارد. جوانان به دلیل ناپختگی، کم تجربگی، احساسات شدید و مشکلات بلوغ، به طور طبیعی، خطاپذیرند. از طرفی، روحیه استقلال طلبی، زمینه چالش ها و تضادهایی را میان آنان و بزرگ ترها به وجود می آورد. از این رو هم نحوه برخورد با جوانان بسیار ظریف و حساس است و هم برای رهبری آنان، نیازمند شناخت دقیق از روحیاتشان می باشیم.

بعضی افراد بدون توجه کافی به واقعیات دوران نوجوانی و جوانی و مشکلات ویژه آنان، واکنش تندی از خود نشان می دهند و چه بسا یک برخورد نسنجیده، برای همیشه جوان را از ورود به مسائل دینی برحذر دارد و همین باعث شود شباهت خود را در دلش نگه دارد و سال ها با آن درگیر باشد.

طرح شبهه از سوی جوانان را نباید بر بی دینی آنان حمل کرد. پرسش، حق جوان است. جوان با ده ها سؤال بنیادی روبه رو است. پس باید با آغوش باز از پرسش های نسل جوان استقبال کرد. به سؤال های آن ها جواب داد و حتی تشویق هایی برای سؤال کردن در نظر گرفت.

شهید مطهری نیز برای آموزش دینی جوانان به ضرورت شناخت آنان تأکید می نماید: «ابتدا باید نسل جوان را بشناسیم. نسل جوان، مزایا و عیب هایی دارد، زیرا این نسل یک نوع ادراکات و احساسات دارد که در گذشته نبود، از این جهت باید به او حق داد. در عین حال یک انحرافات فکری و اخلاقی نیز دارد و باید آن ها را شناخت و چاره کرد.» (۴)

۲- نهادینه کردن دین در خانواده

خانواده به عنوان نخستین کانون تعلیم و تربیت، نقش عمده ای در برقراری ارتباط جوان با دین دارد. ستون فقرات دین مداری، در خانواده شکل می گیرد، رفتار و گفتار اعضای خانواده، مؤثرترین عامل گرایش جوانان به دین است. بیش تر جوانانی که دین خود را حفظ نموده اند، خانواده دین دار داشته اند؛ در حالی که برخی از جوان های دین گریز، خانواده های دین گریز داشته اند.

متأسفانه در برخی خانواده ها بی توجهی به دین به صورت یک عادت در آمده و در طول سال سخنی از مسائل دینی به میان نمی آید و انجام فرایض دینی دیده نمی شود. طبیعی است در چنین فضایی بی اعتنایی به دین عادت می شود، حتی این امر

در جامعه نیز ظهور می نماید، زیرا بسیاری از کارهای ناپسند تا در خانواده به صورت عادت در نیاید در اجتماع انجام نمی گیرد.

امام علی(ع) یکی از روش های تربیتی را عادت می داند و از آن به طبیعت دوم یاد می کند: «نفس خود را به امور نیک عادت دهید تا شرافت یابید و آخرت خود را آباد کنید و ستایش کنندگان را افزایش دهید». (۵) از این رو اسلام سفارش می کند فرزندان را از کودکی به نماز و روزه عادت دهید تا تقید به فرایض در بزرگ سالی بر آنان دشوار نگردد. (۶) استاد مطهری می گوید: این خود یک غفلت و اشتباه بزرگی است که امروز در اجتماع ما که برای گفتن و نوشتن و خطابه و مقاله بیش از اندازه ارزش قائلیم و بیش از اندازه انتظار داریم. در حقیقت از زبان، اعجاز می خواهیم. (۷). .. ولی فرزندان ما بیش از آن که به گفتار ما نظر افکنند اعمال ما را زیر نظر می گیرند که گفته اند: بچه های ما آن گونه می شوند که ما هستیم، نه آن گونه که، می خواهیم. (۸)

دکتر کارل می گوید: «از هم اکنون باید مسئله احیای تعلیمات عمومی را مورد نظر قرار داد. دبستان ها، دبیرستان ها و دانشکده ها نتوانسته اند مردان و زنانی تربیت کنند که به خوبی از عهده رهبری صحیح زندگی برآیند. تمدن غرب به سوی انحطاط گراییده، زیرا نه مدرسه و نه خانواده، موفق به تربیت مردمی واقعاً متمدن نشده است.» (۹)

گرچه «کارل» از تعلیم و تربیت عمومی سخن می گوید، ولی تعلیم دین داری نیز از این کلیت مستثنا نیست.

3- زمینه سازی در مراکز آموزشی

مدرسه به عنوان خانه دوم می تواند پل ارتباطی بین جوان و دین باشد، زیرا جوانان بیش تر اوقات خود را در محیط مدرسه و در تماس و گفت و گو با مربیان می گذرانند. بدیهی است که گفتار و کردار آنان تأثیر بیش تری دارد. متأسفانه امروزه در مراکز آموزشی دو مقوله آموزش و پرورش از یک دیگر جدا شده و افراد خاصی خود را موظف به تربیت دینی نوجوانان و جوانان می دانند، از این رو در مدارس که نماز جماعت اقامه می شود در نمازخانه فقط مربیان پرورشی و معلمان دینی حضور می یابند و دیگر معلمان حضور ندارند یا حضور آنان کم رنگ است. آیا معلمان ریاضی، انگلیسی، ورزش، فارسی و... در قبال تربیت دینی دانش آموزان وظیفه ای ندارند؟ اگر معلم ریاضی در کنار دانش آموزان در نماز جماعت حضور یابد قطعاً اثر او به مراتب بیش از مربیان پرورشی خواهد بود.

از سوی دیگر متصدیان امور مدارس باید به تربیت امور دینی بیش تر توجه کنند. متأسفانه در مدارس ما به آموزش دین آن طور که باید، بها داده نمی شود و مسئولان مدارس به تعلیمات دینی توجه ندارند. اگر از همان دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان به مسائل دینی بیش تر توجه شود، فرهنگ دین مداری نهادینه می شود و جوانان به امور دینی اهمیت بیش تری می دهند.

4- پاسخ به شبهات و پرسش های بنیادین جوان

به طور کلی جوانان، ذهن خلاق و جست جوگری دارند و همواره به دنبال کشف حقیقت و حل مسائل و پاسخ گویی به شبهات خویش اند. جوان با ده ها سؤال از جمله این که «من کیستم و از کجا آمده ام و به کجا می روم.» روبه رو است که برای این سؤال ها باید جواب قانع کننده ای ارائه داد.

علاوه بر آن امروز شبهه افکنی - در حوزه فرهنگ دینی - یکی از بارزترین جلوه های تهاجم فرهنگی در عرصه تربیت اسلامی است. در عصر حاضر دشمنان با بهره گیری از همه ابزارها مانند ماهواره و اینترنت، مبانی دینی جوانان را نشانه گرفته و سنگرهای عقیدتی را فتح کرده اند، اما ما چه کرده ایم؟ ما باید قبل از این که دشمن شبهه ایجاد کند، شبهه شناسی و سپس شبهه زدایی نماییم و هیچ گاه حالت دفاعی نداشته باشیم و حال این که این گونه نیست.

البته این شبهات به قول استاد مطهری، گذرگاه خوبی هستند. اما عدم پاسخ گویی به آن ها یا در نظر نگرفتن روحیه جوانان در هنگام پاسخ گویی، موجب تزلزل در باورهای دینی آنان می گردد و پایه های تربیت دینی را سست می گرداند. جوان اگر احساس کند کسی هست که درد دلش را می شنود و پاسخ گوی سؤالات اوست، امیدوار می شود.

استاد مطهری می گوید: «ما امروز از این نسل گله داریم که چرا با قرآن آشنا نیست، چرا در مدرسه ها قرآن یاد نمی گیرند، حتی به دانشگاه هم که می روند از خواندن قرآن عاجزند. البته جای تأسف است که این طور است، اما باید از خودمان بپرسیم ما تاکنون چه اقدامی در این راه کرده ایم؟ آیا با همین فقه و شرعیات و قرآن که در مدارس است توقع داریم نسل جوان با قرآن آشنایی کامل داشته باشد؟ (۱۰) قرآن از مؤمنان می خواهد که سخنانشان محکم و استوار باشد: «قولوا قولاً سدیداً» (۱۱)

5- به کارگیری شیوه های کاربردی پیام رسانی دینی

متأسفانه در روش های تبلیغی و جذب جوانان، بیش تر از روش های کلیشه ای و تکراری استفاده می کنیم. همین امر در بی علاقتی و گریز جوانان از مسائل دینی، مؤثر بوده است. در برخی تحقیقات به ویژه تحقیقاتی که در آموزش و پرورش انجام پذیرفته، یکی از دلایل گریز دانش آموزان از نماز جماعت، سخنرانی های طولانی و تکراری مطرح شده است. (۱۲) به عبارت دیگر ما هندسه گفتار با جوانان را به خوبی نمی دانیم و یا رعایت نمی کنیم. پراگویی، مکررگویی و ارتباط مستقیم آمرانه و دستوری، باعث دل زدگی و دین گریزی جوانان می شود.

در یک نظرسنجی دیگر از دانش آموزان - که در مورد کسب اطلاعات درباره زندگی حضرت علی(ع) صورت گرفته است - معلوم گردید که سریال امام علی(ع) که از تلویزیون پخش شد، بالاترین نمره، و سخنان روحانیون، کم ترین نمره را به خود اختصاص داده است.

این موضوع، نگرش منفی جوانان را به روش متعارف تبلیغ دینی می رساند و ثابت می کند که دانش آموزان، علاقه کم تری برای شنیدن سخنان یا خواندن مطالب دارند.

ما باید برای تقویت باورهای دینی از هنر، فیلم و ابزارهای هم سو با شرایط زمان استفاده کنیم؛ مثلاً یکی از راه ها، استفاده از گفت و گوی مستقیم دو نفری و به اصطلاح تبلیغ چهره به چهره است. وقت آن رسیده که در سطح وسیع از این تجربه ارزش مند استفاده شود. ائمه جماعات مساجد و مسئولان تربیتی با اتخاذ روش ابتکاری، مجالس را به صورت پرسش و پاسخ برگزار نمایند.

یکی از رموز موفقیت روحانیون در سال های دفاع مقدس در همین امر نهفته است. آن ها با رزمندگان نشست و برخاست داشتند و به اصطلاح امروزی با آن ها دم خور بودند. از این رو رزمندگان به محض شنیدن صدای اذان، با عشق و علاقه به نمازخانه ها روی می آوردند و ندای وحدت سر می دادند.

6- معرفی صحیح سیره و گفتار معصومان(ع)

ما می دانیم گوشت و پوست مردم ما به ویژه جوانان، با عشق و محبت به اهل بیت(ع) آمیخته است. از سوی دیگر معارف اهل بیت(ع) به گونه ای غنی است که اگر دقیق و صحیح معرفی شود جوانان به دین بیش تر توجه می کنند. امام رضا(ع) فرمود: «اگر مردم زیبایی های کلام ما را بدانند، از ما پیروی می کنند.» (۱۳)

شخصی به نام خیثمه می گوید: بر امام باقر(ع) وارد شدم. حضرت فرمود: «ای خیثمه! شیعیان ما محبت در دلشان افکنده می شود و آنان ما را دوست دارند، در حالی که ما را ندیده و کلام ما را نشنیده اند. اگر آنان ما را ببینند و کلام ما را بشنوند، بر هدایت آنان افزوده می شود.» (۱۴) امام رضا(ع) نیز فرمود: «تقوا و ورع را مراعات کنید. امانت دار و راست گو باشید. نسبت به همسایه ها خوش رفتار باشید. این ها چیزهایی است که محمد(ص) بدان ها سفارش کرده است. در بین مردم نماز را برپا کنید و به دیدار خویشان خود بروید و به عیادت مریضان بروید. در تشییع جنازه ها شرکت کنید. زینت ما باشید و باعث زشتی و وهن ما نباشید. ما را پیش چشم مردم، بد جلوه ندهید و باعث نشوید که مردم به ما بدبین شوند.» (۱۵)

7- همدلی با جوان

جوان، موجودی عاطفی، زود رنج و شکننده است. اگر با جوان با همدلی و احترام برخورد شود به سهولت می توان در قلب او نفوذ کرد. پیامبر اکرم(ص) توصیه فرمود: «علیکم بالشبان خیراً فانهم ارق افئدة ان الله بعثنی بشیراً و نذیراً ماخالفنی الشبان و خالفنی الشیوخ» (۱۶) بر شما باد به جوانان که قلب آنان رقیق تر و آماده پذیرش خیر است. وقتی خداوند مرا برای انذار و بشارت مردم مبعوث کرد سال خورده ها با من مخالفت کردند، اما جوانان با من پیمان بستند. بر این اساس لازم نیست آموزه

های دینی و تکالیف شرعی را بر جوانان تحمیل کرد که این امر عکس العمل منفی دارد، بلکه کافی است آن‌ها را به صورت جذاب، عرضه نمود و در کنار هدایت، بر همدلی تأکید ورزید.

۸- انعطاف پذیری

همدلی بدون انعطاف پذیری، ممکن نیست. جوان به حکم جوان بودن در معرض خطا و لغزش است. از این رو امام علی(ع) می فرماید: «جهل الشباب معذور و علمه محقور»؛ (۱۷) نادانی جوان، غیر قابل ملامت و علم او اندک است. خداوند به پیامبر رحمتش می فرماید: «اگر سخت دل و ترش روی بودی همه از تو دور و پراکنده می شوند.» (۱۸)

مربی باید با تحمل و بردباری و انعطاف پذیری، با جوانان بزرگوارانه برخورد کند و چون پدری دل سوز دست نوازش بر سر آنان بکشد و «ارتباط عاطفی» را بر ارتباط دستوری و خشک، مقدم دارد، زیرا هرگز نمی توان با خشم و خشونت، با جوان مواجه شد و به او آموزه های دینی را آموزش داد، چون روح جوان بسیار آسیب پذیر است و در برابر برخورد قهرآمیز واکنش نشان می دهد. از این رو باید مواظب بود در هنگام بیان مسائل دینی لطمه ای به شخصیت جوان وارد نشود. بهتر است در هنگام تعلیم مسائل دینی از جملاتی مانند «این سخن در شأن شما نیست» و «شأن شما بالاتر از این هاست»، «شما سرمایه های این مملکت هستید و جامعه و تاریخ به شما امید دارد» استفاده شود.

۹- میانه روی

در هدایت نسل جوان همان گونه که باید به سلیقه ها و علاقه های آنان توجه کرد و امر رشد و تربیت آنان را با مقتضیات ذات و جوهرشان هم آهنگ ساخت، باید از ایجاد شخصیت کاذب و توقع بی جا نیز پرهیز نمود.

هم چنین دین را نباید به صورت خشک و خشن معرفی نمود، زیرا اسلام دین سمحه و سهله است. متأسفانه گاهی دین به صورتی معرفی می شود که برخی جوانان آنان را خشک و سخت و حتی غیر مفید می دانند. استاد مطهری داستانی را نقل می کند که گویای این حقیقت است: یکی از مقدس ها شخصی را که به مسجد می آمد و نماز جماعتش ترک نمی شد سرزنش کرد که اگر مسلمانی، چرا ریشت را این طور کرده ای؟ او از همان جا سجاده را بر می دارد و می گوید: این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان، رفت که رفت. (۱۹)

بدین سان آنان که منادیان و ناشران فرهنگ اسلام هستند باید راه های معرفی اسلام را بلد باشند و در معرفی آن اعتدال را رعایت کنند. خوش بختانه دین واقع بین اسلام به نکات دقیقی پرداخته که بسیار کارگشاست. وقتی امام علی(ع) با خدمت کارش قنبر برای خرید لباس به بازار رفتند و دو پیراهن دو درهمی و سه درهمی خریداری نمودند، امام(ع) پیراهن سه درهمی را به قنبر دادند. قنبر گفت: شما به آن سزاوارتری، چون شما بالای منبر می روی و خطبه می خوانی. امام(ع) در پاسخ فرمود: «انت شاب و لک شرة الشباب»؛ (۲۰) تو جوان هستی و میل جوانی داری.»

۱۰- هم آهنگی گفتار و کردار والدین و مربیان تربیتی

جوانان تمام مسائل را زیر ذره بین انتقاد و موشکافی قرار می دهند و در اصول و بنیان های اعتقادی خود هیچ گونه تسامح و سهل انگاری را روا نمی دارند. عطش جوانان به مذهب در صورتی سیراب می شود که صداقت و خلوص را در همه امور مشاهده کنند، اما اگر با ناهم خوانی و تضاد در گفتار و عمل مذهبی روبه رو شوند، یا در اعتقاد خود سست می شوند و یا صدای خود را به اعتراض بلند می کنند.... (۲۱)

عدم هم آهنگی میان گفتار و کردار، نصیحت مربیان را بی اعتبار می کند. امام صادق(ع) می فرماید: «به وسیله عمل خود راهنما و راهبر مردم به سوی فضیلت ها شوید و تنها دعوت گر زبانی نباشید.» (۲۲) مربی دینی زمانی موفق است که کلام او از طرف خودش یا هم صنفان او نقض نشود و بین گفتار و رفتار هم آهنگی باشد.

۱۱- جلب اعتماد و احترام به عقاید جوان

آموزش مسائل دینی در صورتی مفید است که اعتماد جوان جلب شود. بدون جلب اعتماد نمی توان در جوان نفوذ کرد، از این رو امام علی(ع) می فرماید: «دل های مردم وحشی است، پس هر کسی بتواند با آن ها الفت برقرار کند، به او روی خواهند آورد.» (۲۳) برای این کار باید به جوان شخصیت داد و از به کار بردن الفاظ تحقیرآمیز خودداری کرد.

هم چنین یکی از خواہش های طبیعی نوجوانان و جوانان این است که مانند بزرگ سالان به عقایدشان احترام گذاشته شود. گاهی جوان بر عقیده خود پافشاری می کند، چون آن را حق می داند. گرچه از دید مربیان و معلمان، آن نظریه باطل است. اما باید توجه داشت که توهین کردن به عقیده و نظر او توهین به همه وجودشان خواهد بود. از این رو اسلام به مسلمانان دستور می دهد که به عقاید همگان احترام بگذارند و حتی از توهین کردن به بت پرست ها خودداری کنند.

۱۲- بیان فلسفه احکام

علی رغم این که جوانان زمینه گرایش به امور مذهبی و دین را دارند، لکن روح جست و جوگری نیز دارند. از این رو مطالبی را بهتر قبول می کنند که کاربردی و توأم با استدلال باشد؛ بدین منظور که مسائل دینی در کنار مسائل علمی و به صورت تطبیقی بیان شود. از این رو لازم است تا آن جا که امکان دارد فلسفه و حکمت احکام و تعالیم دینی تبیین شود تا جوان ضمن قبول آموزه های دینی، با آگاهی، بینش، بصیرت و با انگیزه قوی تر به تعالیم دین روی آورند. این امر می طلبد که مربیان و روحانیان با مطالعات گسترده به بیان آموزه ها و تعلیمات دین بپردازند.

۱۳- بیان اهداف دین و نقش آن در زندگی

در تربیت دینی جوانان باید به این اصل مهم توجه داشت که دین، نیاز به تبیین و میزان تأثیرگذاری آن در زندگی جوان دارد. از این رو پیش از آن که بگوییم دین اسلام جامع ترین، کامل ترین و نیکوترین دین هاست، باید بگوییم دین اسلام چیست و اهداف آن کدام است؟ این دین است که به بایدها و نبایدهای انسان جواب می دهد، جهان و انسان را هدف من می داند و نقشی اساسی در زندگی مادی و معنوی انسان دارد؟ اگر حقیقت دین و نقش آن در زندگی و خوش بختی انسان و اصلاح معاش و... به درستی تبیین گردد، فطرت دین گرا و خداجویی جوانان آن را به راحتی می پذیرند.

محبت درست معلم به متعلم باعث می شود :

اولا - ترس و اضطراب بی حوصلگی، پرخاشگری، سهل انگاری، درانجام وظیفه واموری از این قبیل در متعلم ایجاد نشود و یا اگر داشته به صورت قابل ملاحظه ای کاهش یابد یا حتی از بین برود.

ثانیا - متعلم جدی تر درس می خواند و حرکت و جنب و جوش وی افزایش می یابد و از سؤال کردن و دنبال نمودن بحث برای یادگیری استنکاف نمی کنند.

ثالثا - متعلم به معلم خویش اعتماد می کند و مشکلاتش را با او درمیان می گذارد و راهنمایی های او را مورد توجه قرار می دهد و این امر به حل مشکلاتش می انجامد.

رابعا - متعلم به لزوم برقراری رابطه با دیگران پی می برد و راه صحیح چگونه محبت کردن را نیز عملاً یاد می گیرد و بدینوسیله جامعه پذیری در او تقویت می شود و حتی معلم رابه عنوان اسوه خویش می پذیرد و از رفتارهای او سرمشق می گیرد و چگونه صحیح زیستن را می آموزد و شایستگی های اخلاقی، معنوی و اجتماعی او را بکار می بندد.

در فرهنگ تربیتی اسلام پروردگار رحیم و عطف به عنوان اولین معلم انسان جلوه گر است و تاکید می کند که تعلیم و تربیت افراد را به عهده می گیرد باید خلیفه خدا در این صفت باشد و به همین جهت پیامبر اسلام که «رحمة للعالمین» است به عنوان شایسته ترین معلم برای بشریت از ناحیه خداوند برگزیده شده است متعلم نیز باید با معلم خویش رابطه عاطفی پیدا کند و او را کاملاً دوست داشته باشد زیرا وقتی متعلم معلم خود را محبوب خویش احساس نماید از یک سو در یادگیری و تعلم با او همکاری می نماید و به درس علاقمند می گردد و نه تنها از تعلم استنکاف نمی کند بلکه تمام همتش این است که با موانع یادگیری مبارزه نماید از این رو در کلاس گوش می دهد و ذهنش را به جز آنچه معلم آموزش می دهد معطوف نمی سازد و ... از سوی دیگر علاقه حاکم به وجود او باعث می شود به رنگ معلم محبوبش در آید و در آداب و اخلاق اجتماعی و ... از او پیروی نماید و برای خود شخصیتی بسازد که ممکن با شخصیت برجسته معلمش باشد.

تشویق دانش آموزان بی علاقه و سهل انگار :

عده زیادی از معلمان و والدین از اینکه برخی از دانش آموزان تکالیف خود را در کلاس درس انجام نمی دهند گله مند بوده از این رو دچار تشویق و نگرانی هستند این نگرانی بجاست زیرا اگر دانش آموزی تکالیف خویش را انجام ندهد نمی تواند مطالب درسی را بخوبی فرا بگیرد و در نتیجه از همکلاسیهای خود عقب می افتد.

تحقیقات انجام شده نشان می دهد که یکی از علل مردودی دانش آموزان منحل نبودن آنها در کلاس درس و یا انجام ندادن تکالیف مورد نظر است. موارد زیر رهنمودهایی هستند که با به کار بستن آنها می توان دانش آموزان سهل انگار و بی علاقه را برای انجام تکالیف درسی برانگیخت. این قبیل دانش آموزان را با دقت زیر نظر داشته باشید و آنان را به خاطر کمترین کوشش و فعالیت در جهت شروع کار نوشتن تکالیف اشتغال به انجام آن و یا تکمیل تکالیف داده شده ترغیب و تشویق کنید. این روش را شکل دهی رفتار نیز می گویند که در آن هر پاسخی که نزدیک به پاسخ نهایی انجام تکالیف باشد مورد تقویت می گیرد مثلا رفتن کودک به متابخانه نشستن پشت میز مطالعه برداشتن مداد و کاغذ و ... همه جزو پاسخها و یارفتارهایی هستند که در جهت انجام تکالیف صورت می گیرند و می بایست مورد تشویق و تقویت قرار گیرند شما می توانید این کار را با دادن مدا رنگی ، اسباب بازی ، خودنویس و به عنوان جایزه به دانش آموز و یا انجام تشویقهای اجتماعی از قبیل تحسین دانش آموز لبخند زدن به او پرس و جو کردن از وضعیت درسی وی و یا حتی با توجه مهر امیزه دانش آموز زمانی که وی مشغول انجام تکالیف عملی سازید.

تماس خود را با دانش آموز حفظ کنید تا بتواند مرتبا اشتغال او را به انجام تکالیف را تقویت نمائید به عنوان مثال شما می توانید کنار میز دانش آموز مورد نظر بنشینید تا براحتی او را به انجام تکالیف تشویق کنید.

ارتباط خود را با والدین دانش آموز حفظ کنید (توسط نامه ، تلفن ، ملاقات حضوری وغیره) و ایشان را از پیشرفت دانش آموزان در انجام تکالیف آگاه سازید همچنین از والدین دانش آموز بخواهید که وی را به خاطر دادن تکالیف در مدرسه تشویق و تحسین کنند.^۲

نقد و بررسی تحقیقات انجام شده :

در پروهشی که توسط یکی از دانشجویان دانشکده علوم تربیتی تهران در رابطه با همین موضوع انجام شده نتایج زیر بدست آمده است.

- (۱) تاثیر تشویق والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به گونه ای است که دو گروهی که با معدل بالا و پائین به سؤال جواب داده اند نظر مساعد و یکسانی را ابراز داشته اند معتقد بودند که از طرف والدین مورد تشویق قرار گرفته اند.
- (۲) تشویق موجب علاقمند شدن دانش آموزان می شود یعنی هرچه قدر دانش آموزان با شوق و ذوق بیشتری درس را فرا گیرند. بیشتر به موضوع درس علاقمند خواهد شد و همین امر نقش بسیار مهمی را در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد.
- (۳) معلمین گرامی کمتر از تنبیه بدنی استفاده کنند و نونهالان را بیشتر مورد لطف و محبت خود قرار دهند بطوریکه تعداد کمی از دانش آموزان مورد بی محبتی از طرف معلمین خود اقرار می گیرند پس باید روش تربیتی را پیشه کرد که این تعداد کم هم مورد تشویق و محبت معلمین قرار بگیرند.
- (۴) عواملی مانند حضور همیشگی در کلاس رفتن به گردش علمی و تفریح و مطالعه مرتب همه درسهها تاثیر بسزایی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد.
- (۵) تشویق باید در صورت امکان در سر صف و در حضور والدین انجام گیرد چون در این صورت بیشتر نیازهای عاطفی تشویق دهند ارضاء خواهد شد.

نتیجه گیری

تشویق وسیله مناسب برای پیشرفت امر تعلیم و تربیت است و همچنین تشویق توسط کسانی انجام شود که مورد احترام دانش آموزان هستند و اجرای تشویق در کلاس برای افزایش یادگیری مناسب است و اکثر معلمان و مربیان تربیتی از تشویق برای پیشرفت تحصیلی استفاده می کنند و تشویق در حضور دانش آموزان موثرتر از تشویق بدون حضور دانش آموزان است و تشویق می تواند یک عامل بسیار مهم در به کار انداختن ابتکار عمل در دانش آموزان باشد و تشویق موجب جرأت دانش آموزان برای حل مسائل می شود و تشویق در حضور والدین موجب افزایش پیشرفت تحصیلی آنها می شود و تشویق دانش آموزان موجب علاقه دانش آموزان به درس می شود و همچنین تشویق یک نوع احترام گذاشتن دانش آموزان گذاشتن به دانش آموزان می باشد و محبت معلم به دانش آموزان یک تشویق بسیار موثر است و توجه به رفتار و مطلوب دانش آموزان باعث تقویت رفتار او می شود و تشویق بهتر است بیشتر به صورت گروهی انجام شود و همچنین تشویق مستقیم و غیر مستقیم در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان اثر بیشتری دارد و تشویق موثر مستلزم رعایت حدود اندازه و اصول است.

و بطور کلی می توان گفت که تشویق موجهی علاقمند نمودن دانش آموزان به درس می شود هر چند دانش آموزان با شوق و ذوق بیشتری درس را فراگیرند بیشتر به موضوع درس علاقمند خواهند شد و همین امر نقش بسیار مهمی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد. تشویق محبتی است که ارضاء کننده نیاز است محبت تا آنجا برای انسان لازم و ضروری است که اگر به موقع و به اندازه متناسب در طول زندگی دریافت نکنند در بزرگی به علت احساس خلاء و ناکامی رفتار نا بهنجاری پیدا می کند مسئله تشویق

امری است که در خانواده در مدرسه در تشکیلات نظامی کارایی مطلوب دارد.

در پایان ذکر این نکته نیز ضروری است که به جهت مشکلاتی از قبیل مشکلات مالی و زمانی تحقیق دارای محدودیت های نیز می باشد و البته بدیهی است که به غیر از تشویق عوامل متعددی نیز در پیشرفت تحصیلی موثر میباشد که در این پژوهش فقط به تشویق پرداخته شده است و در پایان با توجه به یافته های این تحقیق پیشنهاد می شود که تشویق را سر لوحه نظام آموزش و پرورش خود ساخته و سعی نمائید با نظارت صحیح خود این امر مهم جامعه بیوشانید.

منابع و مأخذ

- (۱) آذردهشتی - امیر هوشنگ - مجله تربیت - سال ۱۳ شماره هشتم اردیبهشت ۷۶
- (۲) بهشتی احمد - مجله تربیت شماره ۲ - سال هشتم
- (۳) دکتر افروز غلامعلی - چکیده ای از روانشناسی تربیتی - انتشارات کلینی چاپ اول
- (۴) بیابانگرد اسماعیل - مجله تربیت شماره هشتم خرداد ماه ۱۳۷۲
- (۵) شهید ثانی - اداب تعلیم و تربیت در اسلام - نگارش: دکتر محمد باقر حجتی
- (۶) دادستان منصور - لغت نامه روانشناسی چاپ ۱۳۵۶
- (۷) دکتر شرفی محمد - مجله تربیت سال سیزدهم - شماره هشتم - اردیبهشت ۷۶
- (۸) شریعتی رودسری مصطفی - مجله تربیت شماره هشتم - اردیبهشت ۷۶
- (۹) شکر فنجانی ایرج - مجله تربیت - شماره هشتم - اردیبهشت ۷۶
- (۱۰) دکتر سیف علی اکبر، روانشناسی پرورشی - یادگیری و آموزش چاپ اول ۱۳۵۵
- (۱۱) دکتر غباری باقر - مجله پیوند شماره ۷۴
- (۱۲) فرهادیان رضا - مجله تربیت
- (۱۳) فقیهی علی نقی - مجله تربیت
- (۱۴) مبینی سیروس - مجله پیوند
- (۱۵) مدیر عزیزی غلام رضا - مجله پیوند
- (۱۶) نظیری - سیما - مجله پیوند.